



راه‌حل‌های تعارض علم و دین / بررسی یقین و ظن معرفتی

برای حل تعارض علم و دین باید ابتدا به سطح معرفتی گزاره علمی و گزاره دینی توجه داشت؛ اگر معرفت دینی، یقینی و معرفت علمی، ظنی باشد؛ در آن صورت، معرفت دینی بر معرفت علمی مقدم است.

برای حل تعارض علم و دین باید ابتدا به سطح معرفتی گزاره علمی و گزاره دینی توجه داشت؛ اگر معرفت دینی، یقینی و معرفت علمی، ظنی باشد؛ در آن صورت، معرفت دینی بر معرفت علمی مقدم است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی از حجت الاسلام خسروپناه در مورد راه‌حل‌های تعارض علم و دین است که از نظر می‌گذرد؛

بررسی یقین و ظن معرفتی

بسیاری از بزرگان بر این باورند که در تعارض علم و دین می‌توان به راه حل دیگری رو آورد؛ بر این اساس، باید ابتدا به سطح معرفتی گزاره علمی و گزاره دینی توجه داشت؛ اگر معرفت دینی، یقینی و معرفت علمی، ظنی باشد؛ در آن صورت، معرفت دینی بر معرفت علمی مقدم است و اگر معرفت علمی، یقینی و معرفت دینی، ظنی باشد، معرفت علمی بر معرفت دینی مقدم است. اگر هر دو ظنی باشند، ظنی که از حجیت یقینی برخوردار باشد، حق تقدم با اوست و اما فرض چهارم، یعنی یقینی بودن هر دو گزاره علمی و دینی، غیر قابل تصور است.

این راه حل به نظر نگارنده نیز ناتمام است برای اینکه همانگونه که تعارض دو گزاره یقینی محال است، تعارض دو گزاره ظنی و یا تعارض ظنی و یقینی نیز ممتنع است؛ برای اینکه یک شخص نمی‌تواند هم یقین به گزاره‌ای و هم ظن به نقیض آن یا اینکه دو ظن متناقض داشته باشد؛ اما دو نفر یا یک شخص در دو حالت مختلف ممکن است به دو معرفت متناقض دست یابد.

دیدگاه برگزیده برای تعارض علم و دین

۱- دلایل عقلی، ضرورت بعثت پیامبران و نیز ضرورت و بایستی نزول وحی الهی را جهت هدایت و سعادت انسان ثابت می‌کند. عقل درک می‌کند که انسان برای سعادتش به وحی الهی نیاز دارد. توضیح اینکه: نیازهای واقعی بشر را می‌توان به دو دسته نیازهای هدایتی و نیازهای غیرهدایتی تقسیم کرد. وحی به عنوان ابزار معرفتی خدادادی، نیازهای هدایتی و عقل و تجربه نیز به عنوان ابزارهای معرفتی خدادادی، نیازهای غیرهدایتی را تأمین می‌کند.

هیچ برهان عقلی، مبنی بر ضرورت علوم طبیعی اسلامی، به معنای وجود تمام گزاره‌های علوم طبیعی در آیات ظاهری قرآن وجود ندارد؛ گرچه وجود برخی از گزاره‌های علمی به عنوان اعجاز علمی قرآن را منکر نمی‌شویم. قرآن کریم برای اثبات حقانیتش، برخی از گزاره‌های علوم طبیعی را برای انسان جدید بیان می‌کند گزاره‌هایی که با روش‌های تجربی و ریاضی و پس از تحقیقات طولانی در آزمایشگاه بدست می‌آیند. مسایلی، همچون: تطور انسان از نطفه به علقه و سپس مضغه و نیز حرکت زمن و خورشید، نمونه ای از اعجاز علمی قرآن به شمار می‌آیند.

این مطلب به دانشمندان توجه می‌دهد که گزاره‌های علمی قرآن و روایات را نادیده نگیرند و به سرعت به تأویل آنها نپردازند؛ بل آنها را زمینه پژوهش قرار دهند؛ چه بسا، به نتایج و دستاوردهای جدیدتری دست یابند. سیره پیشوایان اسلام نیز این بوده است که از روش‌های تجربی و عقلی در حل مسایل و نیز از متخصصان غیرمسلمان بهره می‌بردند. دانشمندان مسلمان در تمدن اسلامی، همچون: جابر ابن حیان و زکریای رازی و بوعلی و ابن هیثم نیز بر این سیره عملی، پیش رفتند.

۲- علوم طبیعی، علاوه بر گزاره‌های طبیعت‌شناختی برای شناخت طبیعت، گیاهان و حیوانات و انسان، داراییکسری پیش‌فرض‌های غیرتجربی و متافیزیکی، همچون اصل علیت، اصل محال بودن تناقض، اصل واقعیت هستند. گاهی پیش‌فرض‌های متافیزیکی به گونه‌ای است که می‌تواند علوم طبیعی را به سکولار یا دینی متصف کند. برای نمونه: نیوتن در فیزیک کلاسیک، خدای متعال را به عنوان خدای زخنه پوش و ساعت‌ساز لاهوتی معرفی می‌کند. وی آنگاه که با روش علمی به حل مسایل فیزیک دست می‌یابد؛ نامی از خدا نمی‌برد و در حضور علم، خدا را غایب می‌بیند؛ ولی وقتی توان حل علمی مسایلیش را ندارد؛ به خدا پناه می‌برد و خدای رخنه‌پوش را مطرح می‌کند.

همچنین استیون هاوکینگ، فیزیک‌دان و کیهان‌شناس بریتانیایی در کتاب تاریخچه مختصر زمان به وجود خدا اشاره می‌کند و سپس در کتاب طرح عظیم، برای توضیح عالم هستی، نیازی به یک آفریدگار نمی‌بیند. کلینتون ریچارد داوکینز، زیست‌شناس انگلیسی، نیز به توهم خدا اعتراف می‌کند. پروفیسور عبدالسلام نیز به نظریه وحدت نیروهای الکترومغناطیسی که مبتنی بر وحدت مدبر است، اعتراف می‌کند. همه این اعتراف‌ها، برگرفته از پیش‌فرض‌های متافیزیکی است و ربطی به ساحت تجربی علم ندارد. اینگونه پیش‌فرض‌های متافیزیکی می‌توانند دانش را دینی یا غیر دینی کنند. منظور نگارنده از علم طبیعی اسلامی، علمی هستند که پیش‌فرض‌های متافیزیکی اسلامی داشته باشند.

۳- آیات مختلفی در قرآن کریم، مؤمنان را به تحصیل علم دعوت کرده و آیات دیگری در قرآن و روایات به مباحثی از جنین‌شناسی، زیست‌شناسی، کیهان‌شناسی، گیاه‌شناسی و غیره پرداخته است. پس علوم طبیعی نزد اسلام، ارزش قرآنی داشته و از نیازهای واقعی بشر به شمار می‌آیند. نمونه‌های فراوانی از توافق علم و دین و سازگاری آموزه‌های قرآنی و دست‌آوردهای علمی وجود دارد؛ مانند حرکت خورشید در سوره یس، آیات ۳۸ تا ۴۱؛ حرکت کوه‌ها و زمین در آیه ۸۹ سوره نحل؛ لقاح گیاهان در آیه ۲۲ سوره حجر؛ حرمت گوشت خوک و خون در آیه ۱۷۳ سوره بقره؛ زوجیت گیاهان در آیه ۳۶ سوره یس، و...

۴- اگر نمونه‌هایی از تعارض و تراحم ظاهری میان علم و دین است؛ یا بدین جهت است که علم، ادعای انحصاری در آن زمینه ندارد؛ برای نمونه، علم، یک آسمان را کشف نموده و به انکار نظریه هفت آسمان پرداخته است؛ یا این که نظریه داروین، خلقت نهایی انسان از خاک را انکار نکرده، بلکه آفرینش از حیوان نئاندرتال را فرض نموده است. یا اینکه علم، تحقق معجزات یا طول عمر پیامبر یا امامی را انکار نمی‌کند؛ البته قدرت تبیین آن را هم ندارد. همچنین برخی از دستاوردهای علمی در حد فرضیه باقی مانده‌اند و حتی فرضیه‌های رقیب جدی هم در مقابل دارند؛ مانند نظریه «تبدل انواع» و نظریات ژنتیکی و اپی ژنتیک.

۵- راه حل نهایی نگارنده در رابطه علم و دین این است که اولاً، نسبت علم و دین، عموم و خصوص من وجه است، یعنی علم و دین در برخی از گزاره‌ها، مشترک و در برخی دیگر از یکدیگر، متمایزند. علم و دین در گزاره‌های مشترک، اگر درست تفسیر شوند؛ سازگاری یا تکامل معرفت با کمک علم و دین آشکار می‌شود و تعارض ظاهری حل می‌گردد. برخی از تعارض‌های علم و دین، زاییده مبانی و پیش‌فرض‌های متافیزیکی حاکم بر علوم است. تغییر پیش‌فرض‌های متافیزیکی و روش‌شناسی سکولار و جایگزینی پیش‌فرض‌های متافیزیکی و روش‌شناسی اسلامی می‌تواند تعارض علم و دین را برطرف سازد.